

متن پرسش

سلام استاد خدا قوت: رهبری در تاریخ ۲۲/۱۲/۱۳۷۹ در دانشگاه امیر کبیر در جواب سوالی این چنین فرمودند: در حال حاضر با توجه به شبهه‌افکنیها و ریاکاری بعضی از مسؤولان و در نتیجه آلوده کردن چهره‌ی نظام اسلامی، چه راهکارهایی را برای در امان ماندن از غفلت یا تندروی های بیجا، و تصمیم‌گیریهای خدایسندانه و مبتنی بر اسلام پیشنهاد می کنید؟ فرمودند: «من کلاً به جوانها و بخصوص به دانشجویان و طلاب توصیه می کنم که آگاهیهای خودشان را افزایش دهند. بسیاری از این کجروی هایی که شما ملاحظه می کنید، ناشی از کمبود آگاهی است. نسل امروز - به‌ویژه نسل جوان ما - باید از تاریخ کشورش اطلاع داشته باشد؛ بخصوص از زمان مشروطیت به این طرف را بداند. شما در هر رشته‌ای که تحصیل می کنید، چون جزو نخبگان جامعه هستید - بعد از این هم ان‌شاءالله جزو نخبگان برتر خواهید بود - باید بدانید که کشور شما در چه موقعیتی قرار داشته و دارد. شما باید بخصوص تاریخ رژیم گذشته را بدانید. نسل امروز ما درست نمی داند که انقلاب اسلامی چگونه این کشور را از چنگال آن رژیم خلاص کرده است. این را ما که با همه‌ی پوست و گوشت و همه‌ی هستی خود آن رژیم را حس کردیم، خوب می دانیم. اینها باید منعکس و گفته شود. البته در این زمینه، چیزهایی هم نوشته شده است. رژیم گذشته، رژیمی فاسد و صددرصد وابسته و به‌کلی دور از عدالت بود. برای آن رژیم مسأله‌ی مردم در کشور به‌هیچ‌وجه مطرح نبود. برای آن رژیم ارزش یک مستشار امریکایی یا یک سیاحتگر صهیونیست، به مراتب بیشتر بود تا جمعیت عظیمی از مردم ایران! عناصر آن رژیم به مفت خوری، زیادی خوری، غارت منابع ملی و استفاده‌ی نامشروع از همه‌ی امکانات کشور عادت کرده بودند. آن رژیم بر پایه‌ی نامشروعی بنا شده بود؛ یعنی کسی که در آن زمان در رأس قدرت بود - که تقریباً سیوپنج سال هم حکومت کرد - فقط با این اعتبار به حکومت رسیده بود که پدرش قبل از او حاکم بوده است! شما ببینید چه منطق غلطی برای حاکمیت یک نفر وجود داشت. همه‌ی قدرت ها و ثروت ها در اختیار او بود و اگر گفته می شد که شما با چه استدلالی روی کار آمده‌ای، پاسخ این بود که چون پدرم قبل از من در این‌جا حاکم بوده است! او با پشتوانه و خواست مستقیم انگلیسی ها بر سر کار آمد و سی و پنج سال هم حکومت کرد؛ بدیهی است که مملکت متعلق به آن کسانی باشد که او را بر سر کار آوردند یا از او حمایت کردند. ما چنین رژیمی را پشت سر گذاشتیم. پدر او چرا روی کار آمده بود؟ چون یک کودتای انگلیسی شده بود و آنها این‌طور خواسته بودند. شما باید اینها را بدانید. شما باید تاریخ کودتای رضاخان در اسفند ۱۲۹۹، بعد رسیدنش به سلطنت در ۱۳۰۳، بعد جانشین شدن محمدرضا را بدانید. البته در تلویزیون هم برنامه‌های خوبی

گذاشتند و اینها را تشریح کردند. در کتابهایی هم این مطالب نوشته شده است. آگاهی های شما از مسائل جهان باید بالا برود. من گمانم این است هر کسی، هر جوانی و هر دانشجویی که بداند این انقلاب و این نظام، کشور را از دست چه گرگ های خون آشامی گرفته و چه زحماتی را در این بیست و دو سال تحمّل کرده تا به این جا رسیده و چه دشمنی هایی با آن شده و الان هم در کمین آن است، کاملاً می فهمد که در این نظام چه باید بکند. یعنی وظیفه ی خودش را حس می کند و تشخیص می دهد. جوان ایرانی، هم روشن بین و باهوش است، هم سیاسی است. لذا جای ابهام باقی نمی ماند. بنابراین، علاجه ی که من پیشنهاد می کنم، کتابخوانی، افزایش مطالعه و کشاندن اجتماعات دانشجویی به بحثهای صحیح و حقیقی - نه بحثهای انحرافی - است. البته بحث خودسازی و درون سازی و نورانی کردن دل و امثال اینها هم بحثهای مفصلی است که در جای خود باید مورد تأکید قرار گیرد.» سوال این است که چه جوری سطح آگاهی خود را بالا ببریم و یا از تاریخ کشور به خصوص از مشروطه به این طرف مطلع شویم؟ آیا شما کتابی سراغ دارید یا آیا خودتان کتابی نوشته اید در این زمینه؟ ممنون.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: شاید امروز کتاب های بهتری در رابطه با تاریخ صدساله ی گذشته ی ما در بازار باشد ولی رویهم رفته کتاب هایی مثل «تحلیلی از نهضت امام خمینی» از آقای حمید روحانی و یا کتاب های آقای موسی حقّانی و موسی نجفی کمک کننده در این امر هستند. جزوه ی تحلیلی از انقلاب اسلامی که بنده تنظیم کرده ام انشاءالله می تواند مفید باشد. کتاب «از سید ضیاء تا بختیار» از آقای بهنود نیز نکات خوبی دارد به خصوص که این کتاب را قبل از پیوستن به اصحاب بی بی سی نوشته است. موفق باشید